

متن پرسش

سلام استاد: یک بنده خدایی این سوال را برای بنده فرستاده و درخواست جواب کرده، لطفا عنایت فرمایید و جواب را مرحمت فرمایید: سوال اول: آیا عقل کاشف از واقعیت است؟ چرا؟ سوال دوم: این که این براهین فلسفی که بیان شده برای اثبات واجب الوجود و این که بی نهایت است و به قول فلاسفه «واجب الوجود: ماهیته ائتیه» و عقل نیز این ها را می پذیرد و ما هم قبول داریم که صحیح اند، ولی از کجا بدانیم که در واقع و نفس الامر نیز این گزاره های عقلی جریان دارند و مطابقت با واقع و نفس الامر هستند؟ و به عبارت دیگر چه طور می شود به این براهین اعتماد کرد البته از جهت این که این ها حکایت گر از واقع هستند؟ و به چه دلیلی ثابت می شود که این براهین فلسفی، حاکی و حکایت گر از واقع و نفس الامر می باشند؟ و چه طور می فهمیم که این احکام عقلی منتزع و برگرفته از عالم واقع و نفس الامر می باشند؟ شاید کسی بگوید که این براهین فلسفی که احکام عقلی اند از جمله مفهوم واجب الوجود و ممکن الوجود و براهین اثبات واجب الوجود و براهینی که ثابت می کنند واجب الوجود بی نهایت است و... که این ها یعنی این براهین و استدلالات عقلی مذکور در علم فلسفه صرف گزاره های ذهنی هستند و صرف چیدمان عقلی ای بیش نمی باشند و منتزع و حاکی و حکایت گر از عالم واقع و نفس الامر نمی باشند و صرف استدلالات عقلی هستند همین و بس! خب به این مستشکل چه جوابی می شود داد؟ و در صورت جواب چه دلیلی بر جواب می باشد (جواب با ذکر دلیل لطفا)

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بد نیست در این موارد با دکارت، کار شروع شود. بحث دکارت در جزوات «فلسفه غرب» در قسمت نوشتارهای سایت هست. موفق باشید